



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و حصانی از

مکتب اسلام

شماره ۹ ساله ۱۶

شهریور ۱۳۵۲ شعبان ۱۳۹۵

قربانیان سگرس

چرا جامعه ما با این همه قربانی که در این راه می دهد باز هم
بیدار نمی شود؟! پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حوانی باقیامه در هم و برشان در آن هیچ علمی نگوانی بود اگر گفته بود، ارد و انگار نده
آمد گفت کار خصوصی و موری دارم با او به کتابی رفتم بغضش ترکید و بواب اشکش جاری
شد و گفت :

حادثه و حشاشکی را که در یکی از شهرستانها واقع شده در صفحه حوادث ما مشهور نامه ما
خواندند؟ گفتند، کدام حادثه؟ گفت : مرد جوانی همسر جوانش را کشته و دو فرزند هفت
هشت ساله اش را بزر در خواب با وسائل سنگین ورزشی به قتل رسانیده و خودش تیرجانی از اسید

کننده: لاکشیده و پس از ۲۳ ساعت دست و پهنه نرم کردن نامرگ. در میان شکنجه‌های وحشتناک جسمی و روحی، جان داده است. و من یکی از سنگان او هستم. عکس او را در روزنامه در آخرین ساعات عمرش که دیشم با آنچه از قافله او در نظرم بود حال مرا چنان دگرگون کرد که نزدیک است از غصه دیوانه شوم مخصوصاً که انگیزه قتل را در وصیتنامه‌اش انحراف همسرش از حاد صفت معرفی کرده و در برهم نهادن پای... و... بتوان عامل حرم نحت تعقیب فراد گرفته اند... بعد اضافه کرد:

این موضوع از نظر من و امین با یک مشکل بزرگتری را موجود آورده و آن بهینی افراد قابل به یاد بگر و سو... نقل کشنده‌ای است که از داخل و خارج، ما را راکر گرفته است این موضوع خانواده دیگر قابل مارا تهدید می کند و در حالی که قطره‌های شك در چشمش دور می زد از من کمک فکری می خواست، البته آنچه لازم بود در آنجا به آن جوان گفته شد، ولی از نظر کلی باید به تمام خانواده‌ها در بر زمین جدا جدا در او که:

شما صفحه حوادث حرابت و شاید به عنوان یک سرگرمی (الته سرگرمی سندنرمدن نامالم در شکل فعلی) مطالعه می کنید و بسیاری از براردها ساخته تنخ و وحشتناک که آثار شوم آن در راهبانی که حادثه در میان آنها رخ داده، گاهی ششها سال باقی می ماند و با براتی ششهای آینه آنها بر صورت می ماند. می گذرید: هیچ حساب نمی کنید که اگر این حادثه - جدای نکرده - در قابل شما اتفاق افتاده بود چه می شد؟ از دست دادن چهار نفر از عزیزان، آنهم همین شکل و صورت، با توجه با شرایطات فامیلی، چه در دره‌های کشنده‌ای ایجاد می کرد؟

بدستنامه، هنوز جو مع نسای آن رشد اخلاقی و فکری پیدا نکرده اند که برای اینگونه ظوفاهای اجتماعی... لافل همانند مسائل ساده زندگی مادی - آمارهای زنده‌ای تهیه کند، تا اساس آن بتواند باین حقیقت بی برده که قربانیان می بود، راه‌های جسمی (مثلاً) در سال گذشته در کشور، چند نفر بوده اند؟

- چند کودک یتیم شده اند؟
 - چند زن یا شوهر به زندان رفته اند؟
 - چند دختر و پسر از منزل فرار کرده اند؟
 - چند زن و دختر زنده شده اند؟
 - و بالاخره چند سال و کشتار صورت گرفته؟
- و سپس اثرات عمیق این حوادث در خانواده‌ها و در مجموعه اجتماع مورد بررسی قرار گیرد.

علی‌نقا قربانیان «سکس حد و مرز شکسته» در سال، در دنیا کمتر از قربانیان یک جنگ و حشتناک است، زیرا تقریباً بیست که نام مشخصات تعدادی از آنها در صفحه حوادث باشد، و آنچه نام و مشخصاتشان بدست آنها نمی‌آید گاهی به مراتب بیشتر است.

من نمی‌دانم خرج و مخرج حسی که نمره شوم بکسوع آزادی حساب نشده غرب است، چه اندازه می‌خواهد از جامعه ما برپایی بگیرد؟ و ناگهی باید کودکان بی گناه در این راه «یتیم» یا «قتل عام» شوند؟! و او چه باین عواقب شوم چرا «فیلمها» و «مطبوعات» و «وسائل ارتباط جمعی» و «خود مردم» دست به دست هم داده اند که به این آتش خانمانسوز، باز هم بیشتر دامن بزنند، باز هم بیشتر قربانی بگمروند! - زنان باز هم برهنه تر، همه اقدام خود را عرضه کنند و جمعی از ارباب مطبوعات باز هم وقیح تر بپویسند؟ و هنگامی که اسبابا نتایج شوم اعمال خود را با چشم می‌بینند، با گوش می‌شنوند، بدست لمس می‌کنند، باز هم به همان روش خود - با سرعت بیشتر - ادامه می‌دهند باید قبول کرد که غلظت افکار فتنه، و چیزی شمشیه به چگون جای آنرا گرفته است.

این موضوع از نظر من و امین با یک مشکل بزرگتری را موجود آورده و آن بهینی افراد قابل به یاد بگر و سو... نقل کشنده‌ای است که از داخل و خارج، ما را راکر گرفته است این موضوع خانواده دیگر قابل مارا تهدید می کند و در حالی که قطره‌های شك در چشمش دور می زد از من کمک فکری می خواست، البته آنچه لازم بود در آنجا به آن جوان گفته شد، ولی از نظر کلی باید به تمام خانواده‌ها در بر زمین جدا جدا در او که:

تسخیر علم در راه نابودی بشر

آلبرت اینشتین دانشمند معروف معاصر در سال ۱۹۳۹ ضمن نامه‌ای برای «وارانگین» رئیس جمهوری وقت آمریکا چنین نوشت:

... عنصر اورانیوم در آئینده نزدیک میتواند منبع عظیمی از انرژی تولید کند. سبب اورانیوم اگر در جزیره‌های منفجر شود قادر خواهد بود تمام نواحی زمینهای اطراف جزیره را نابود و ویران سازد.

شش سال پس از تاریخ نگارش این نامه (اوت ۱۹۴۵) نخستین بمب اتمی روی شهر هیروشیما در ژاپن فرود بیخت و... آلبرت اینشتین از واقعه هیروشیما بسیار ناراحت و متاثر شد، او آرزو داشت که نیروی اتمی در راه بهبود زندگی بشریت به کار آید اما برخلاف ایده‌اش هرگز این کار عملی نشد و از تا آخرین سنین زندگی از این حادثه رنج میبرد و خود را سرزنش میکرد که چرا اختراش باعث نابودی هزاران هزار نفر مردم بی گناه شده است.

از کتاب (فهرمانان علم)